فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سـال دوازدهم، شماره چهل‌وهشتم، زمستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۷-۴۸

غالیان در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام

احمد فلاح‌زاده[۱]

چکیده

با رشد مذاهب انحرافی در سده سوم هجـری، غالیـان شـیعی نیـز سـازمان یافتـه‌تـر و اثرگذارتر عمل کردند. غلو در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام رشد محسوسی داشت. این مقاله با هدف دسـتیابی بـه چرایـی و چگـونگی فعالیـت غالیـان در عصـر امـام حسـن عسکری علیه‌السلام، به بررسی وضع غلو در آن عصر و نوع برخورد امام علیه‌السلام با آن می‌پـردازد. این پژوهش برای تبیین داده‌های کتابخانه‌ای، بر اسـاس نظریـه شـکل‌گیـری فِـرَق از روش تحلیل تاریخی- حدیثی بهره برده است. یافته‌های پـژوهش نشـان می‌دهـد کـه مسائل ناشی از ناباوری گروهی از شیعیان نسبت به امامت آن حضرت، بی‌ثباتی خلافت عباسی و تلاش عباسیان برای به انحراف کشاندن امامیه و قرار گرفتن شیعه در شرایط غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام شرایط را برای گسترش غلو فراهم کرد.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری علیه‌السلام، عصر غیبت، غالیان، غلو.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. a.fallahzadeh@urd.ac.ir
تاریخ دریافت: ۰۱/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۲/۲۷

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

The Ghulāt during the era of Imam Ḥasan ʿAskarī (a.s.)

Ahmad Fallahzadeh [1]

Abstract

The 3rd Hijri century (AH) witnessed the rise and spread of various deviant sects, including the ghulāt (extremists) among the Shi'a. The phenomenon of ghulāt experienced a significant rise during the era of Imam Hasan ʿAskarī (a.s.). This article explores the reasons behind the proliferation of ghulāt activities in that period was mentioned and examines the Imam's approach in dealing with them. To achieve this, the present paper investigates the phenomenon of ghulū (exaggeration) during the era of the eleventh Imam and analyzes the methods employed by the Imam to combat it. The research utilizes a historical-Ḥadīth analysis based on the theory of the formation of sects to interpret library data. The findings of the study indicate that the spread of ghulū in the era of Imam ḤasanʿAskarī (a.s.), stemmed from multiple factors, including the disbelief of some Shi'as in the Imamate of Imam ḤasanʿAskarī (a.s.), the political instability of the Abbasid caliphate, the Abbasids' attempts to deviate the Imamiyyah, The impending occultation of the twelfth Imam.

Keywords: Imam ḤasanʿAskarī (a.s.), Occultation Period, The Ghulāt, ghulū.

1. Assistant Professor, Department of History, University of religions & denominations, Qom, Iran. a.fallahzadeh@urd.ac.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

درآمد

امامیه از آغاز همواره شاخه‌ای از غلو را در کنار خود تجربه کرده است. غالیان از یک جمعیت کم‌شمار با اعتقاداتی ساده اما کفرآمیز، به مرور زمان به گروهی تأثیرگذار تبدیل شدند. پس از شهادت امام هادی علیه‌السلام در سال ۲۵٤، شرایط سیاسی-مذهبی جامعه شیعی و وضع عمومی خلافت عباسی طی سال‌های ۲۵۲-۲۵٦ هجری دچار تحولاتی شد که در نتیجه آن غالیان شیعی زمینه را برای افزایش فعالیت خود مناسب دیدند. این پژوهش در پی واکاوی فعالیت‌های غالیان در خلال سال‌های ۲۵٤-۲٦۰ هجری یعنی عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام است. برای شناخت کیفیت فعالیت‌های غالیان لازم است به زمینه‌ها، نوع فعالیت‌ها و پیآمدهای آنان پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

مقاله «سیره امام حسن عسکری علیه‌السلام در برخورد با فرقه غلات» نوشته روح‌الله زاده اندواری و ربیع نتاج (۱۳۹۲ش) تلاش می‌کند تا غلو در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام را معرفی کند اما تعریف دقیقی از غلو ارائه نمی‌کند. آنها معتقدند «گروه‌های الحادی غلات شیعه، واقفیه، مفوضه، صوفیان، ثنویه و مانند اینها در جامعه حضور داشتند و به سهم خود در تحریف عقاید شیعیان کوشش می‌کردند»؛ در حالی که اساساً بسیاری از این گروه‌ها جزو غالیان نیستند. مقاله «رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت» به قلم احمدی کچایی و ترابی میبدی (۱۳۹۳ش)، نام بسیاری از سران غلات را ذکر می‌کند اما به دلیل اشاره نکردن به دوره‌بندی عصر ائمهِ سامرا، و تحولات سیاسی این دوره، پژوهش خود را بر «اصل خفقان سیاسی» بنا نهاده و بر این اساس به سراغ غلو رفته است. در حالی که در پژوهش پیش‌رو این مبنا تأیید نمی‌شود. همچنین آن مقاله در طبقه‌بندی غالیان به «صوفیه» نیز می‌پردازد در حالی که صوفیه فرقه‌ای درون شیعی نیست و اساساً گزاردن نام صوفی بر شماری از شیعیان تنها کنایه به زمینه زهد آنها دارد. از سوی دیگر تعالیم غالیانه شماری از افراد نامدار مانند صاحب زنج در آن مقاله مطرح نشده‌است. حاجی‌زاده (۱٤۰۲ش) در مقاله «غالیان زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام و تذکر یک

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

اشتباه» می‌نویسد: «بسیاری از کسانی که به عنوان غالیان زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام معرفی شده‌اند، در اصل از غالیان زمان امام هادی علیه‌السلام هستند». در واقع این مقاله تلاش می‌کند تا نام برخی از غالیان ثبت شده در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام را به عصر امام دهم منتسب کند. همچنین تحقیق ایشان از نظر موضوع و روش پژوهش با تحقیق پیش‌رو ناهمسو است. حاجی زاده و رجبی (۱۳۹٤ش) پیش از این در کتاب *غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم* علیهم‌السلام به گونه‌شناسی و چرایی پیدایش غلو تا پایان عصر غیبت صغری، شیوه برخورد امامان با غالیان و همچنین تطور شیوه‌های برخورد امام علیه‌السلام با غالیان پرداخته بود اما دایره پژوهش آن کتاب بیشتر مربوط به دوره سایر ائمه است. مقاله «فکر الامامین العسکریین علیهما‌السلام فی رد ثقافه التطرف الدینی[1]» اثر صریفی و ربیعی (۲۰۱۸م) تنها در سه صفحه به غلو در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام اشاره کرده است و فاقد شباهت محتوایی با پژوهش حاضر است. همچنین رحیم خریبط (۲۰۲۲م) در مقاله «الامام الحسن العسکری علیه‌السلام دراسه فی التأثیر و التأثر» تنها به دو گزاره از امام علیه‌السلام درباره نهی از غلو بسنده کرده است.

زمینه‌های غلو در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام

واژه غلو در لغت به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود چیزی است (فراهیدی، ٤٤٦/٤؛ راغب اصفهانی، ۳٦٥). غلو در اصطلاح نوعی انحراف عقیدتی و دارای انواع گوناگونی است. منظور از غلو در این نوشتار، زیاده‌گویی و باور به چیزی بیرون از دایره قرآنی و آموزه‌های اهل بیت درباره اعتقادات و شبکه باورهای اسلامی است.

۱. شرایط سیاسی

منظور از شرایط سیاسی، خلأهای حکومتی است که در نتیجه آن زمینه بروز فرقه‌سازی و حرکت‌های فرقه‌ای در سطح جامعه پدید می‌آید. در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام شرایط سیاسی با تفسیری که از نظر خواهد گذشت، زمینه برای حضور

۱. اندیشه امامین عسکریین علیهما‌السلام در رویارویی با فرهنگ افراط گرایی دینی.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

غلو فراهم شد.

۱-۱. درگیری‌های درونی عباسیان

عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام گرچه دوره کوتاهی (۲۵٤-۲٦۰) از خلافت عباسی را در بر می‌گیرد؛ اما فراز و نشیب تند سیاسی این دوره و ناپایداری اوضاع خلافت به گونه‌ای بود که در دوره امامت آن حضرت، حکومت میان سه گروه کاملاً مخالف، معتز پسر متوکل، مهتدی پسر واثق و معتمد پسر متوکل دست به دست شد (طبری، ۳۹۱/۹؛ فلاح زاده و سپهری، ۱۹۹-۲۱۳؛ فلاح زاده، «از اصلاحات سیاسی...»، ۷۷-۸۹). خلافت عباسی به دو بخش تقسیم و هر کدام پایتختی را برای خود برگزیدند، به گونه‌ای که هم‌زمان یک خلیفه با پشتیبانی ترکان در سامرا و دیگری با پشتیبانی ایرانیان در بغداد خود را خلیفه خواندند. این موضوع به ماه‌ها جنگ داخلی و خرابی شهرهای سامرا و بغداد منتهی شد. در پی نابسامانی، معتز تنها سه سال یعنی از ۲۵۲-۲۵۵ و مهتدی کمتر از یک سال ۲۵۵-۲٥٦ هجری، خلافت عباسی را به دست گرفتند و هر دو از سوی مخالفانشان به طرز فجیعی کشته شدند (فلاح زاده، «تعامل امامیه...»، ۱٤۷-۱۹۷).

شورش ابودلف در مرکز ایران (آوه)، قیام قمی‌ها، شورش اهل ری، قیام مردم طبرستان، قزوین و دیلمان و جنگ‌های علویان با خلافت عباسی، شرایط ناپایدار سیاسی را به شدت گسترش داد چنان‌که حتی در میان درباریان، بیم سقوط خلافت عباسیان وجود داشت (طبری، ۳۷۲/۹، ۳۸۱). این آشفتگی سیاسی، زمانه را برای بروز فعالیت‌های مذهبی جدید و امکان ظهور تضادهای دینی (فرقه‌سازی) آماده کرد؛ چرا که ناپایداری خلافت عملاً امکان مهار فرقه‌ها را از بین می‌برد.

۱-۲. شورش‌های قومگرایانه (شعوبی) با رویکرد اعتقادی

بخشی دیگر از نابسامانی اوضاع، ناشی از شورش‌های قومی بود. شماری از این شورش‌ها با رویکرد شعوبی (ملی‌گرایی یا قوم‌گرایی) شکل گرفتند. این شورش‌ها برای آشکار سازی دشمنی خود با خلافت، از مؤلفه‌های قومی بهره گرفتند. بخشی از این مؤلفه‌ها، همان آیین‌های بومی و محلی بودند که شورشیان با تکیه‌بر آنها به گردآوری

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

نیرو دست می‌زدند. در واقع شماری از حرکت‌های قومی برای ایجاد یکپارچگی میان هواداران، از آیین‌های محلی و قومی پشتیبانی می‌کردند که بخش عمده‌ای از آنها، حاوی مفاهیم غلوانه بود. شورش مازیار که پیروانش به «مازیاریه» معروف شدند (طبری، ۸۰/۹-۱۱۰)، نمونه‌ای از شورش‌های محلی با بستر باورهای قومی است.

صاحبان این شورش‌ها دریافت‌های باستانی از ادیان کهن بومی خود را به جامعه اسلامی انتقال می‌دادند و هوادارانشان، نماینده این باورها در میان مردم جامعه اسلامی بودند؛ از این‌رو تخیل و داستان‌پردازی ایرانی سهم سترگی در دین‌پردازی بازی می‌کرد که نمونه آن در داستان‌های فردوسی نیز دیده می‌شد. این امر در واقع حکایات اجتماعی ایرانیان سده‌های کهن بود که از بستر آماده این رفتار دینی در میان ایرانیان پرده برمی‌داشت. این موضوع به‌ویژه، در سرزمین‌هایی که مبلغان دینی، به دلیل نبود امنیت و صعب العبور بودن (مناطق خطرناک کوهستانی) به آنجا نمی‌رفتند، زمینه فراهم‌تری داشت. همچنین کوهستان محل فرار این دست از مشرب‌های دینی بود که از سوی خلافت پذیرفته نمی‌شدند.

فراوانی خُرمیان –به عنوان یکی از فرقه‌های شعوبی آن دوره- در اصفهان، کرج ابی‌دلف (اطراف آوه)، کوهدشت، همدان، نهاوند و آذربایجان و وجود گروه‌های دیگر مانند مزدکیه، ماهانیه و دوگانه پرستان در آن شهرها، زمینه را برای ورود باورهای نزدیک به آنان در میان مسلمانان فراهم می‌کرد (مسعودی، *التنبیه*، ۳۰۶). به‌رغم مبارزه عباسیان با این دست اعتقادات، این نوع تفکرات غالیانه در قرون بعدی نیز تداوم یافت. شاخه‌ای از این نوع باورها، بعدها در غرب ایران، در فردی به نام شاه‌خُوَشین[1] بروز کرد که پیروانش معتقد بودند ذات یزدان (= خداوند) در وی تجلی یافته است (ثواقب و دیگران، ٦٤).

ادیان پیشین ایرانی نیز سهمی در باورهای غالیان داشتند چنان‌که برخی از باورهای غلات مانند تاویل روح یا انواع پاداش و عقاب، برگرفته از متون مانوی بود (دفتری،

۱. شخصیت تاریخی- مذهبی شاه خوشین (٤٦٧-٤٠٦) در میان یارسان (اهل حق) از قداست فراوانی برخوردار است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

٦٧). مزدکیان و زندیقان نیز در این شبکه معرفتی قرار می‌گرفتند و بستری فکری غالیان شمرده می‌شوند (نوبختی، ٤٦). حتی پاره‌ای از باورهای زندقه، در غالیان شیعه راه یافت و ماندگار شد (Adang& et al, 69).

۳-۱. نهضت ترجمه

یکی دیگر از زمینه‌های غالی‌گری، برداشت‌های متون اسلامی از انتقال مفاهیم سایر ملل در قالب نهضت ترجمه بود. این موضوع، درست زمانی روی داد که مدارس علمی ایرانی، هندی، سریانی، بلاد شرق ادنی و اسکندریه در زمینه علومی مانند فلسفه و باورهای ملیِ هند و اروپایی، اندیشه‌های خود را وارد دنیای اسلام کردند (نجف پور و دیگران، ١٦٥). بر خلاف تصوری که نهضت ترجمه را صرفاً ترجمه یکسری از کتب پزشکی، فلسفه، نجوم، آیین حکمرانی، علوم اخلاقی و مانند اینها می‌دانند، بخش مهمی از ترجمه‌ها، زمانی روی می‌داد که شارحان آنها، کتاب‌ها را بر اساس فرهنگ دینی خود تفسیر می‌کردند. برای مثال کتاب‌هایی که از هندی و یا ایرانی ترجمه شده بودند، مترجمان بر اساس فرهنگ دینی خود آنها را تفسیر کرده و زمینه را برای پذیرش باورهای دینی نویسنده در جامعه مخاطبان فراهم می‌کردند.

۴-۱. ادبیات و شعر

تخیل ادبیاتی، از یکسو ظرفیت باورسازی به‌ویژه در میان عامه مردم را دارد و از سوی دیگر گسترش ادبیات غالیانه، نوعی پشتیبانی ادبی از جریان‌سازی اجتماعی برای باور به غلو را ایجاد می‌کند. در ادبیات صدر اسلام نیز نوعی گفتمان غلو از شعرهای تخیلی بازمانده از دوره جاهلی باقی مانده بود. چکامه‌های مانده از عصر پیامبر ﷺ که به مثابه وصفی غلو آمیز بر سر زبان‌ها می‌افتاد، شرایط فکری را برای زمینه باور به غلو را فراهم می‌کرد، حال آنکه در واقع این خود شعر بود که اساساً با غلو و زیاده‌گویی، دلنشین‌تر به نظر می‌رسید. برای نمونه در متون عصر عباسی از زبان عباس عموی پیامبر شعری در شأن پیامبر۹، پس از بازگشت از تبوک وجود دارد (مسعودی، مروج، ١٠٥–١٠٦؛ زجاجی، ٦٥). این شعر در واقع از آنِ حسان بن ثابت (٤٩٨/١) بود. به جز

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

چامه‌سرایان، قصه‌گویان نیز در شهرهای مختلف به طمع کسب روزی با داستان سرایی عجیب و غریب می‌کوشیدند یک ماجرا را چنان پر و بال دهند تا خواننده را جذب کنند (ابن کثیر، ۲٤/۹). این فربه‌سازی‌ها، در پایان به نوعی غلو در روایت و رویدادها منجر می‌شد (ابن جوزی، *القصاص*، ۳۰۲؛ همو، *اخبار*، ۱۲۸). بیشترین حضور فکری غالیان، برداشت از دو مکتب فکری بود که یکی به حلول و تناسخ باور داشت و دیگری اساساً از ترک شریعت دم می‌زد و این موضوع در ادبیات کهن ایران ریشه داشت (نک. یزدانی، ۹۹).

۲. شرایط مذهبی

۱-۲. رخدادهای درون شیعی

امام حسن عسکری علیه‌السلام در شرایطی به امامت رسید که جامعه امامیه از درون با یک دُشواره- نپذیرفتن امامت ایشان از سوی برخی از شیعیان سابق- روبه‌رو بود. این موضوع به گسترش فعالیت غالیان منجر شد (نک. نظربیگی و فلاح زاده، ۱۰۹-۱۳٤). بر همین اساس آن حضرت در روایتی بلند جامعه شیعه را به سه دسته تقسیم کرد: گروهی که به حق پای‌بند بوده و هیچ تردیدی در آن نداشتند (معتقدان به امامت آن حضرت)؛ گروه دوم کسانی که حق را از مسیرش پیگیری نمی‌کرده و سرگردان بودند (به امامت ایشان یقین نداشتند) و گروه سوم کسانی که شیطان آنها را سرپرستی می‌کرد (امامت آن حضرت را نپذیرفتند) (مسعودی، *اثبات*[1]، ۲٤۷). قائل بودن برخی به امامت محمد پسر بزرگ امام هادی علیه‌السلام به عنوان امام یازدهم، کار را بسیار دشوار کرده بود (کلینی، ۳۲٦/۱؛ خصیبی، ۳۸۵). پیروان محمد مدعی بودند، امام حسن عسکری علیه‌السلام را آزموده و او را دارای علم امامت نیافته‌اند (شهرستانی، ۱۹۹/۱-۲۰۰). در حالی که برخی از یاران امام علیه‌السلام (کلینی، ۵۳۹/۱۳) و در صدر آنها ابوهاشم جعفری بارها امام علیه‌السلام را آزمودند و در نهایت از نزدیکترین یاران آن حضرت شدند (مسعودی، *اثبات*، ۲٤۹).

۱. در پژوهش‌های جدید روشن شده‌است که *اثبات الوصیه* را شلمغانی نوشته است (نک. غفوری نژاد و ذاکری، ۱۱۵-۹۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

۲-۲. امتداد حضور اجتماعی-فرهنگی غالیان سابق

انتقال بیت امامت از مدینه به سامرا در سال ۲۳۳، مایه دوری ائمه از مدینه و موجب سوء استفاده غالیان شد. به‌رغم مبارزه پیشوای دهم، شماری از فرقه‌های اهل غلو، که از عصر ائمه سابق، فعال بودند، در اثر زمان دچار تحول شدند و دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دادند. فضل بن شاذان (متوفای ۲٦۰) یکی از یاران امام حسن عسکری علیه‌السلام تصویری روشن از آن دوره به دست می‌دهد. وی به مثابه صاحب نظریه «گفتمان تخم مرغی فِرَق» فرقه‌های آن روزگار را این گونه دسته‌بندی کرده است: یکم، فِرَق پوست تخم مرغی که مانند پوست تخم مرغ، رفتارها و باورهایشان آشکار و علنی بود، مانند مرجئه، حدیثه، معتزله، جبریه، خوارج، شیعه و دیگران. دوم، فرقه‌های داخل پوسته (مثل سفیده تخم مرغ) که برای شناسایی آنها نیاز به شکافتن پوسته پنهان‌گر آنها بود. این فرقه‌ها در برابر ارواح قرار داشتند، مانند خطّابیه، محمّره، مخمّسه، مبیضه، تناسخیه، سمابلیه، دهریه، کیالیه، بدئیه، سهروردیه، حلّاجیه، منهالیه و عامریه که همگی باورهای باطنی (عقاید پنهان) داشتند. سوم، نحله‌هایی که مانند زرده تخم مرغ، باورهایشان از یک سو کاملاً ناپیدا بود و از سوی دیگر این معتقدات در برابر عقل قرار داشت (ابن شاذان، ۷٦-۷۷).

معاصر با فضل بن شاذان، ناشی اکبر (متوفای۲۹۳) از شش فرقه کفرآمیز منشعب از شیعه نام می‌برد که با نام‌های منصوریه، بیانیه، خرّمیه، مغیریه، بشیریه و خطّابیه (ناشی اکبر، ۱۹۹)، به ترویج معتقدات خود و تبلیغ آن می‌پرداختند. «منصوریه»، یاران «مستنیر أبی‌منصور» بودند که از نظر آنها پس از امام باقر علیه‌السلام امامت به ابومنصور رسیده بود (همان، ۱۹۸). آنها در میان جامعه امامیه حضور داشتند. «مغیریه»، اصحاب مغیره بن سعید، امامت محمد نفس زکیه را پس از امام باقر علیه‌السلام پذیرفته بودند. از نظر آنها «نفس زکیه روحی داشت که مردگان را زنده می‌کرد، غیب می‌دانست، کوری و پیسی را شفا می‌داد و به همه چیز آگاه بوده و تنها او علم باطن قرآن را می‌دانست». گروه دیگر «بیانیه» بود. اصحاب بیان بن سمعان، وی را پروردگار عالم می‌دانستند و می‌گفتند او چنان جایگاهی دارد که سیارات آسمان پاسخ سلام او را می‌دهند (همان، ۱۹۸-۱۹۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

۳-۲. فعالیت گروه‌های غالی

در بستر درگیری‌های درون دربار اوضاع چنان دگرگون شد که شماری از باورهای غلات به سرعت در میان مردم نشر یافت و بستری را فراهم کرد که مایه متهم شدن امامیه به باورهای انحرافی شد. از آن جمله اعتقاد ابوالخطاب که «الله» را در برخی از آیه‌های قرآن تفسیر به رأی می‌کرد و مقصود از آن را علی علیه‌السلام می‌دانست. طیف شاگردان ابوالخطاب با اعتقاد به علم غیب برای امام صادق علیه‌السلام و روایاتی به ایشان نسبت دادند که مایه دور شدن دیگران از مکتب امامیه شد. در واقع یکی پنداشتن غلات با امامیه و انحراف جدی آنها، هویت فرهنگی اجتماع امامیه را در معرض خطر قرار داد (سجادی و فرخی، ۱۵).

قیام‌های علویان یا افراد منسوب به این طیف که در قیام خود از راهکارهایی چون امور خارق العاده و علوم غریبه بهره می‌بردند، سرآغازی بر حرکتی سیاسی با منشأ غلو شد. به گواه داده‌های تاریخی، صاحب زنج (زنگ) با ادعای انتساب به اهل بیت، در سال ۲۵۰ هجری دست به شورشی زد که مورد استقبال مخالفان خلافت عباسی و شیعیان قرار گرفت (طبری، ٤١٦/٩، ٤٢١). در سال ٢٥٦ وی با رفتارهای غیرعادی و با پشتیبانی پیشگویی‌هایش به جایگاه بلندی در میان پیروانش دست یافت و به پیروزی‌های بزرگی رسید. این پیروزی‌ها سبب شد تا تابعینش او را شایسته حکومت بدانند (ابن ابی الحدید، ١٤٢/٨). به گزارش ابن عمرانی (متوفای۵۸۰) شورش او ممکن بود برای همیشه خلافت عباسی را از پای درآورد (ابن عمرانی، ١٣٧). صاحب زنج با ادعای ماورایی، جایگاه قدسی خودش را نزد یارانش فزونی بخشید (طبری، ٤٨٧/٩-٤٨٨). شأن قدسی که صاحب زنج برای خود ساخته بود با آنکه به مبانی شرع هم پای‌بند نبود، چنان وجهه‌ای به وی بخشید که ادعا کرد پیامبری را به او عرضه کرده‌اند؛ اما به دلیل ترس از اینکه نتواند به خوبی از پس آن برآید، نپذیرفته است (همان، ٤٩٩/٩). او مدعی بود در سفر مدینه به بصره در بادیه (صحرا) راه را گم کرده بود، به ابری دستور داد تا وی را به سمت بصره راهنمایی کند و آن ابر هم چنین کرد (همان، ٤١١/٩). با این همه، امام علیه‌السلام در نامه‌ای به محمد بن صالح خثعمی، انتساب صاحب زنگ به خود را رد کردند (اربلی، ٤٢٥/٢).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

۴-۲. نقش مفسران

غالیان با تأویل‌گرایی، زمینه‌های مستندسازی اعتقادات خود را پدید می‌آوردند. این اتهام در قرن سوم موج حمله سایر فرق اسلامی به امامیه را افزایش داد (احمدی کچایی و ترابی، ٤١). پدید آوردن تردید در باور به قرآن و ادعای اینکه مصحف امام علی علیه‌السلام و مصحف فاطمه(۸)، بسیاری از سوره‌های حذف شده قرآن را در خود دارد و آن سوره‌ها در فضل اهل بیت است (سبحانی، ۱۱۰/۱)؛ به همراه باور به نبوت علی علیه‌السلام و اشتباه جبرئیل در وحی به دلیل شباهت زیاد علی علیه‌السلام به پیامبر۹ بخشی دیگر از اعتقادات غلات بود (مودب و رستمی، ۵۲ به نقل از امینی، ۳۱۳/۳). به عبارت دیگر این جریان در واقع تأویل قرآن را حقیقت قرآن می‌دانست (هدایت پناه، ٢٢٦). در برابر این رفتار دینی، پایگاه رسمی امامیه – بیت امامت در سامرا- به پای بندی به قرآن موجود تأکید داشت.

غالیان، دستی هم در روایات تفسیری داشتند چنان که غالیان نامداری چون محمد بن حسین معروف به صائغ (متوفای٢٦٩؛ نجاشی، ۳۳۷) فرات بن احنف (فرات، ۱۱۸) و محمد بن عبدالله بن مهران کرخی (همان، ٤٢٢) در سندهای تفسیر فرات حضور گرمی دارند (همان، ۵۸).

رخنه اعتقادات غلات در میان امامیه به سرعت شیوع یافت و تکاپوهای غالیان در بصره (همان، ۷۸)، کوفه (نجاشی، ١٦٤-١٦٥؛ ابن غضائری، ۷۸، ۸۲) و مدائن (همان، ۸۹) فراگیر شد. بر این اساس، برخی کتاب‌های *اصفیاء امیرالمومنین*، *کتاب سُلیم بن قیس هلالی* و *تفسیر قمی* را برساخته از ساختار جعل روایت در میان غالیان دانسته‌اند (راضی، ۳۱۳-۳۱۵). این علاوه‌بر حجم گستره جعل حدیث در سده سوم هجری است. پهنه این شرایط آن قدر فراخ بود که مدرسه اهل بیت نیز از دسترس این امر به دور نبوده و پردازش خرافات و دروغ‌ها و نسبت آنها به فرهنگ روایی اهل بیت، هم در این مدرسه رواج داشت. برخی از جعل‌ها در حقیقت سوء برداشت از سخن یک امام بود. چنان که عبارت «فانا صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا» از نامه امام علی علیه‌السلام به معاویه، مایه‌های این باور را پدید آورد که برخی می‌گفتند حضرت علی علیه‌السلام آفریننده مخلوقات

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

است (رحمان پور، ۵۸).

متون امامیه در آن زمان مانند *بصائر الدرجات*، مشتمل بر روایت عجیبی درباره مقامات امامان شیعه و گستره علم آنان بود. گویا به همین دلیل ابن ولید (۲۷۰-۳۴۳) استاد شیخ صدوق از آن کتاب روایت نمی‌کرد چرا که مطالب غلوآمیز آن در شأن ائمه دست‌کم حاوی سبکی از نگاه عالمان قمی به پیشوایان دینی بود. باب‌هایی از این کتاب مانند «خلق أبدان الأئمه و قلوبهم و أبدان الشیعه و قلوبهم لئلا یدخل الناس الغلو فی عجائب علمهم» (صفار، ۱٤/۱) و «ما خص الله به الأئمه من آل محمد و ولایه الملائکه» (همان، ٦۷/۱) می‌توانست مورد نقد سایر گروه ها قرار گیرد. به‌ویژه باب‌های «أمیرالمؤمنین و أولی العزم أیهم أعلم» (همان، ۲۲۷/۱)، «أئمه أفضل من موسی و الخضر علیهما السلام» (همان، ۲۲۹/۱) و «الأئمه عندهم الکتب التی فیها أسماء الملوک الذین یملکون» (همان، ۱٦۸/۱) حاوی مطالبی بود که تنه به باورهای غالیان می‌زد یا لااقل می‌توانست مقدمه‌ای بر باورهای آنها باشد. به دلیل درونمایه *بصائر الدرجات*، اهتمام جدی مکتب قم در مقابله با احادیث غلوآمیز از دریچه این کتاب قابل درک است (طالعی، ۱۰). در واقع مدرسه قم، غلو را کاملاً متفاوت از دیگران معنی می‌کرد، تا جایی که باورنداشتن به «سهوالنبی و سهو الامام» در این مکتب، خود گام نخست غلو بود (ابن بابویه، ۳٦۰/۱).

۵-۲. جایگاه اهل حدیث

هم زمان با بالیدن جریان اهل حدیث در سده سوم و به‌ویژه پس از پیروزی محدثان بر معتزله در عصر متوکل عباسی، کشمکش‌های حدیثی در سده سوم میان محدثان شیعی و سنی، سرانجام به سوی برخی از باورهای غالیانه رفت. نسبت دادن عقاید انحرافی به صحابه و کافر شمردن طیفی از آنها که تن به ولایت علی علیه السلام ندادند، سبب شد انگیزه‌های اهل سنت در طرح نظریه عدالت صحابه به اجرا درآید (مودب و رستمی، ۹۸). پیرو یک فرهنگ عمومی رایج میان شیعیان آن دوره، تمام کسانی که با علی علیه السلام دشمنی می‌ورزیدند، دارای ابهام در حِلیت تولد بودند (مسعودی، *مروج*، ٤۷۵/۳). این رقابت درون دینی، تا آنجا پیش رفت که محدثان غیر شیعی نیز به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

کرامت‌سازی برای صحابه پرداختند (صفوری، ۲۸۲/۲، ۲۷۵). ایـن امـر بعـدها از سـوی امامیه نیز الگوبرداری شد (نک. دمیری، ۷۹/۱).

۶-۲. تأثیر دهریه

«دهر» به معنای روزگار و تفکر دهری معادل نفی رستاخیز بـود. آنهـا جبـر انگـار و طبیعت‌گرا بوده و منکر عوامل ماورایی(خدا)، شریعت و مانند اینها بودند. آنها زمانـه را عامل حرکت جهان می‌دانستند و به خالق و پیامبران اعتقاد نداشتند. اعتقاد بـه حسـن و قبح ایام که در حقیقت ریشه در باورهای «کیالیه» و «دهریان» داشت و بـه نـوعی صـانع بودن پرودگار (ابن شاذان، ۳۹) و ارسال رُسـل (پیغمبـران) (همـان، ٦٣) را زیـر سـوال می‌برد، از طریق دهریان وارد ادعاهای غالیان شد. البته اهل غلـو ایـن باورهـا را تأویـل کردند و متأثر از همین تفکر، گاهی با تأویل بردنِ توانایی‌های پیامبران و ائمه و گاهی با ادعای رسالت برای رهبران دینی یا پنداشتن صفات و مقاماتی برای معصومین و همسان دانستن صفات ائمه با صفات الاهی به باورسازی می‌پرداختند (سند، ١٦٣).

نقش دربار عباسی در شکل‌گیری غلو

عباسیان با رفتارهای سیاسی خود و تلاش برای حـذف رقبـا بـه گونـه‌ای شـرایط را برای رشد جریان غلو فراهم کردند. برای مثال رفتارهای توهین آمیز متوکـل نسـبت بـه علی علیه‌السلام در مجالس شبانه‌اش (دمیری، ١٢٤/١) که با عکس العمل منفی پسـرش منتصـر نیز مواجه شد، شیعیان را به واکنش وا داشت و در این میان غالیـان بـا زیـاده‌گـویی در شأن آن حضرت، از این فضا برای ادعای دفاع از علی علیه‌السلام استفاده کردنـد. نکتـه دیگـر اینکه عباسیان به مانند امویان به کسانی که آنهـا را در برابـر خـود رقیـب سیاسـی و یـا نظامی می‌دیدند، اتهام‌های غلوآمیز می‌زدند (شهرستانی، ١٦٢). این کار برای آن بـود تـا مردم را از دور رقبای خود بپراکنند؛ در حالی که ناخواسته همین رفتـار سـبب مـی‌شـد، نوعی احساس فراوان بودنِ جمعیت غالیان در جامعه منتشر شود.

گونه‌شناسی غالیان امامیه

گونه‌شناسی باورهای غلو آمیز نشان مـی‌دهـد کـه سـه واژه «غـالی»، «اهـل غلـو» و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

«غلات» تعابیری برای نشان دادن منحرفان اعتقادی بود که به شخصیت‌های مورد اعتقادشان نسبت‌های الاهی می‌دادند. غالیان اعتقادی در یکی از این سه محور: ۱- باور به خداوندی یا صفات الاهی در ائمه؛ ۲- ادعای نبوت برای امام؛ ۳- دعوت به اباحه‌گری فعالیت می‌کردند (صریفی، ۲۹۹؛ غریری، ۳۰۹).

از میان غالیان امامی، یک دسته پذیرفته بودند که علی علیه‌السلام پروردگار است و عده‌ای از یارانش مأمور تدبیر جهان‌اند. گروه دیگری امامان را دارای شأن پیامبری و الوهیت می‌دانستند و گروه سوم، شناخت امام را به معنای کفایت از انجام مراسم دینی و بی‌نیازی از پای‌بندی به شریعت، می‌شمردند (ابن بابویه، ٥٤٥/٤). معیار شناسایی اهل غلو، عبادت کردن و اهل طهارت بودن، بود، زیرا اهل غلو در پی عبادت نبودند و آن را بر خود بخشیده می‌دانستند (همان). آنها تأویل‌های شگفتی برای احکام شرعی به کار می‌بردند، مانند این ادعا که شراب، نماز و روزه هر یک نام مردانی هستند نه اینکه معنای حکم شرعی داشته باشند. آنها همچنین با واجب دانستن روزه ماه شعبان و تغییر ساعت‌های نماز، مایه دور شدن مردم از فرهنگ دینی اهل بیت می‌شدند (ولی‌پور، ۱۸-۲۱). اعتقاد به حلول، جسم بودن خداوند، تقسیم ارزاق بندگان به‌وسیله ائمه از دیگر پندارهای این گروه به شمار می‌رفت (همان، ۲۱-۲٤). در آن زمان احمد بن محمد بن عیسی اشعری (زنده به سال ۲۷٤)، «علی بن حسکه» و «قاسم یقطینی» از سردمداران اصلی «غلو» بودند و می‌گفتند امام این آموزه را به ایشان آموخته است (کشی، تحقیق طوسی، ٥١٦). ابن بابا مدعی بود که از سوی امام هادی علیه‌السلام به پیامبری منصوب شده‌است؛ سخنی که بعدها پیروان محمد بن نصیر نمیری (متوفای۲۷۰) هم آن را پذیرفتند و این ادعا را درباره محمد بن نصیر مطرح کردند. از مختصات این فرقه، باور به تناسخ و مقام ربوبیت برای امام هادی علیه‌السلام دانسته شده‌است. دسته دیگر غالیان معروف به «علیاویه» با سردمداری موسی سواق و یارانش باور داشتند که محمد پسر امام هادی علیه‌السلام خودش پیامبر است (همان، ٥٢٠-٥٢١).

برخی از یاران امام عسکری علیه‌السلام به تفویض گرایش داشتند. سهل بن زیاد واسطی یکی از اینان بود. از او روایتی درباره قدرت امام علیه‌السلام در تصرف در ابرها نقل شده‌است

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

(مفید، ۳۲٦). یک دیدگاه معتقد است کسانی مانند عباس بن صدقه، ابو العباس طرنانی (طبرانی) و ابوعبداللّه کندی معروف به شاه رئیس که نام آنان در *رجال کشی* در زمره غالیان زمان امام عسکری علیه‌السلام ذکر شده‌است، از غالیان عصر امام هادی علیه‌السلام هستند (حاجی زاده، ۲۰۳).

رویارویی امام حسن عسکری علیه‌السلام با غالیان

مهمترین ویژگی غالیان ایجاد چند دستگی میان شیعیان بود زیرا آنها خود را به امامیه منسوب می‌کردند و علاوه‌بر بدنامی، تفرقه و واگرایی امامیه، سبب موضع‌گیری سایر فِرَق علیه شیعه می‌شدند (مطهری، ۸۷). تفسیرهای مصداقی در کلام غلات (طبرانی، ۱۳) و تبلیغات غالیان، گروه‌های دیگر را به آنان متمایل می‌کرد (نجاشی، ۳۳٦-۳۳۵). برای نمونه ابوالقاسم علی پسر احمد بن موسی بن جواد علیه‌السلام که امامی مذهب و نویسنده کتاب‌های فراوانی از جمله *کتاب الأوصیاء* در امام شناسی و *کتاب فی الفقه علی ترتیب المزنی* در فقه بود، مدتی پیرو مذهب مُخَمّسه شد و کتاب‌هایی درباره غلو و تخلیط نگاشت (طوسی، ۲۷۱). مخمسه اعتقادشان این بود که این پنج نفر یعنی سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و عمرو بن امیه ضمیری، موکلان مصالح دنیا هستند و اداره امور جهان به دست آنهاست (کشی، تحقیق رجایی، ۷۰۲/۲).

خطر بزرگ و ماندگار غالیان، آمیختن روایات غالیانه با روایت‌های اصیل امامیه و نقل آنها در محافل شیعی بود (همان، ۸۰ ، ۱٦۵). غالیان، برخی از یاران حقیقی امام حسن عسکری علیه‌السلام مانند ابوهاشم جعفری که با توجه به شخصیت علمی ممتاز و جایگاه برجسته اجتماعی‌اش، در نزد اغلب گروه‌های فکری مورد احترام بود را نشان کرده و روایت‌های غالیانه خود را به وی نسبت می‌دادند تا سخنشان قابل پذیرش شود (موسوی تنیانی، ۵۸). انتشار کتاب‌های امامیه که با محتوای غلو آمیخته و وارد جامعه شده بود، در گذر زمان کار بازیابی متون سره از ناسره را بسیار مشکل کرد و آموزه‌های غالیانه را وارد اجتماعات امامیه کرد (حسینی شیرازی و وکیلی، ٤٤). از این‌رو افرادی از شیعیان سر از جمع غالیان درآوردند. برای نمونه محمد بن حسن بن شمون

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

(متوفای۲۵۸)، یکی از راویان امام حسن عسکری علیه‌السلام (کلینی، ٦٣٦/٢؛ مسعودی، اثبات، ۲۵۰) ابتدا به واقفیان پیوست و سرانجام کارش به غلو کشید (نجاشی، ٣٣٦-٣٣٧).

امام حسن عسکری علیه‌السلام در برابر غالیان بسته به میزان خطر آنها دستورات ویژه‌ای را صادر کرد. ایشان گاهی خود دست به کار می‌شد. مثلا وقتی عروه دهقان از افراد مورد اطمینان و مسئول خزانه امام علیه‌السلام در بغداد، منحرف شد (کشی، تحقیق رجایی، ٨٤٧/٢) و خزانه را غارت کرد و آتش زد و گریخت، امام علیه‌السلام او را نفرین کرد (ابن شهرآشوب، ٤٣٥/٤). دست درازی به اموال امام علیه‌السلام به معنای رد حقانیت وصایت ایشان پس از امام هادی علیه‌السلام بود. آن حضرت پیرو برنامه‌های پدرش شرایطی را برای غالیان ایجاد کرد تا از آمیختگی شیعیان با آنان جلوگیری کند و زندگی اجتماعی غالیان را نیز تهدید کند. به دنبال این سیاست، حتی راوی بزرگی چون محمد بن اورمه که از نظر درباریان نسبت به روایت‌های شناخت شأن امام علیه‌السلام از بقیه پیشتاز بود (کلینی، ٥٢٢/١، ٤٥٤، ٣٦٩/٢، ۳۸۰)، هنگامی که از سوی علمای شهر متهم به غلو شد، جانش به خطر افتاد. در نهایت او با برپایی نماز و سایر اعمال عبادی، ثابت کرد که اهل غلو نیست (ابن بابویه، ٥٤٥/٤)؛ زیرا اهل غلو عبادت را بر خود بخشیده می‌دانستند (همانجا). معیار شناخت غالیان، دقت در وقت نمازها و ادای این فریضه از سوی آنان بود (کشی، تحقیق طوسی، ۵۳۰). امامیه به تبعیت از سفارش‌های امام، غالیان را به جمع خود راه نمی‌دادند، در تشییع جنازه آنها حاضر نشده و برایشان طلب مغفرت نمی‌کردند (اربلی، ٤٢٦/٢). همچنین دروغ‌گویی آنها را برای بقیه بیان کرده و از بحث کردن درباره آنها خودداری می‌کردند (کشی، تحقیق طوسی، ۵۲۲). به صورت مشخص، امام، این سه نفر یعنی ابن بابا، محمد بن نصیر و فارس بن حاتم قزوینی را لعن کردند (همان). فارس بن حاتم که مایه بدعت در دین شده بود، به امر امام علیه‌السلام به دست «جُنید» از پای درآمد (همان، ٥٢٦). برخی از اهل غلو تحت تعقیب امام حسن عسکری علیه‌السلام قرار گرفتند و از بغداد به کوفه گریختند و تا زمان شهادت امام علیه‌السلام در کوفه پنهان شدند (خصیبی، ۳۵۸).

غالیانِ خطابیه به صورت گسترده اعتقاد به علم غیب اهل بیت را مطرح می‌کردند، امام عسکری علیه‌السلام یارانش را از پرسش از علم غیب پرهیز می‌داد زیرا اتهامی که دستگاه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

عباسی آن حضرت را به آن متهم می‌کرد این بود که آن حضرت ادعای علم غیب دارد. اما غلات با توجه به همین موضوع، اخباری جعل کرده و به غلو در شان ائمه پرداختند (همان، ٣٣٤). پاره‌ای از منابع سنی سده سوم، بر مبنای همین رفتارهای غلات، امامیه را حرکتی غلوآمیز معرفی می‌کردند (دینوری، المعارف، ٦٢٤؛ همو، *عیون*، ١٦٠/٢).

گفتگو میان عالمان امامی و غالیان نیز یکی دیگر از شیوه ها برای بازگشت آنها به مسیر امامیه بود. مناظره‌هایی که میان عالمان امامی و غلات انجام شد، از سوی بیت امامت در سامرا، پشتیبانی می‌شد (همان، ٥٢٣). سازمان مدیریت دینی امامیه در سامرا و سایر شهرها که نیمه مخفی بود، از یکسو با انحراف چهره‌های بزرگش مواجه بود و از سوی دیگر می‌بایست اساس سازمان دعوت امامیه به صورت کلی همچنان پنهان می‌ماند؛ از این‌رو امام با این تعبیر که «فاسقان منحرف که سخن خبیثانه‌ای می‌گویند و خدایشان لعنت کند»، غالیان موجود در سازمان دعوت امامیه را به پیروان امامی معرفی می‌کردند (همان، ٥٢٧).

روش دیگر امام علیه‌السلام در مبارزه با غلات، روشنگری در قالب کتاب نگاری بود. بر اساس این سبک از مبارزه، اسماعیل بن علی بن اسحاق از نوبختیان، کتاب *الرد علی الغلاه* (نجاشی، ١٣٢) و ابوالحسین عقرائی تمار کتابی در رد غالیان نوشتند (همان، ٧٤). همچنین سعد بن عبدالله أشعری (از عالمان بزرگ قم) کتابی در این موضوع نوشت (همان، ١٧٧). دسته‌ای از غالیان ضمن اینکه به ائمه ایمان داشتند، پس از دوران غیبت صغری، به مرشدانی معتقد شدند که ملقب به «پیر»، «اَدَه»، «دَدَه» یا «بابا» بودند. آنها بدون هیچ پای‌بندی به مسائل فقهی و شرعی، صرفا پای‌بندی به یکسری آیین‌های خاص را نماد تشیع می‌دانستند (BALÎ, 2009).

غالیان برای زهر چشم گرفتن از مخالفان و القای ترس در میان شیعیان، به کشتن برخی از سران نامدار شیعه پرداختند که علنا با غلات مخالفت می‌کردند؛ چنان که محمد پسر احمد بن موسی بن ابراهیم بن امام کاظم علیه‌السلام یکی از مخالفان نامدار غلات در آذربایجان به دست مفلح غلام ابن ابی‌ساج از سران اهل غلو کشته شد (ابن کلبی، ٦٥).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

نتیجه

عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام یکی از دوره‌های پرفراز و نشیب تاریخ امامیه به دلیل رویارویی با اندیشه غلو است. بررسی بسترهای رشد و گسترش تفکر غالیان نشان می‌دهد که آنان با بهره‌گیری از شرایط پیش آمده، توانستند به گسترش دامنه تبلیغات خود دست بزنند. پیشوای یازدهم نیز بر اساس یک راهبرد بلند مدت، ضمن کاربست روش‌های مختلف در برابر آنان، از ظرفیت یاران بهره گرفته به مواجهه با غالیان پرداختند. بسترهای آماده برای رشد غلو، موجب گسترش و تنوع غلوگرایی شد. تلاش امام حسن عسکری علیه‌السلام و طیف امامیه در برابر غلو، مایه خط کشی رفتاری میان امامیه و آنان شده و در بازشناسی باورهای غلو برای امامیه در دوره‌های بعد راهگشا شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبـه آیـه اللـه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
- ابن عمرانی، محمد بن علی، الإنباء، تحقیق قاسم سامرایی، قاهره، دارالآفاق العربیه، ۲۰۰۱/۱۴۲۱.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق محمد رضا حسینی، قم، دار الحدیث، ۱۳۶۴ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- ابن جوزی، ابوالفرج، أخبار الظراف و المتماجنین، تحقیق عبد الأمیر مهنا، بیروت، دار الفکر اللبنانی، ۱۹۹۰.
- _____، القصاص و المذکرین، تحقیق محمد بن لطفی الصباغ، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۴۰۹.
- ابن شاذان، فضل، الایضاح، تحقیق سید جلال الدین ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳ش.
- ابن شهر آشوب، محمد، المناقب، قم، موسسه انتشاراتی علامه، ۱۳۷۹.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۶/۱۴۰۷.
- ابن کلبی، هشام بن محمد، جمهره النسب، تحقیق حسین ناجی، [بی‌جا]، عالم الکتب، بی‌تا.
- احمدی کچایی، مجید و روح الله ترابی میبدی، «رفتار شناسی امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت»، فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی، سال سوم، زمستان ۱۳۹۳، شـماره ۱۱، ص۲۷-۴۸.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
- ثواقب، جهانبخش و دیگران، «واکاوی تاریخی جایگاه دوره شاه خوشین در آیین یاری (با تاکید بر نسخه خطی دفتر دوره شاه خوشـین)، مجلـه مطالعـات ایرانـی اسـلامی، دوره ۱۱، شـماره ۴، زمسـتان ۱۴۰۰، ص۶۴-۹۵. **Doi: 10.30484/JII.2022.3099.1079**
- حاجی زاده، یدالله، «غالیان زمان امام حسن عسکری علیه السلام و تذکر یک اشـتباه»، سـخن تـاریخ، انتشـار آنلاین، ۱۶ فروردین ۱۴۰۲.
- حاجی زاده، یدالله، «مواجهه فکری و عملی امام هادی علیه السلام با جریان غلو»، مجله سخن تاریخ، پاییز و زمستان۱۳۹۶، شماره۲۶، ص۱۹۳-۲۲۰.
- حاجی‌زاده، یدالله و محمد رجبی، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان، بی‌جا، دفتـر نشر معارف، ۱۳۹۴ش.
- حسان بن ثابت الأنصاری، دیوان حسان بن ثابت الأنصاری، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۴.
- حسینی شیرازی، سید علیرضا و طاهر عزیز وکیلی، «بازخوانی گـزارش دس و تحریـف غالیـان در پرتـو

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

کارکرد فرهنی نهاد امامت» فصلنامه امامت پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۳، ص۳۱-۷۰ .
– خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۹۹۱/۱۴۱۱.
– دفتری، فرهاد، تاریخ الاسلام الشیعی، ترجمه سیف الدین القصیر، بیروت، دار الساقی، ۲۰۱۷.
– دمیری، کمال الدین، حیاه الحیوان الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴.
– دینوری، ابن قتیبه، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲.
– _____، عیون الأخبار، تحقیق یوسف علی طویل، بیروت، دار الکتب العلمی، ۱۴۱۸/۱۹۹۸.
– راضی، عبدالله حسین، المواموه الکبری علی مدرسه اهل البیت، بیروت، دارالمحجة البیضاء، ۲۰۰۸.
– راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، بی‌تا.
– رحمان پور، فرهاد، «نگاهی به موضوع غلو در دین؛ بررسی نمونه‌هایی از احادیث مستمسک غالیان»، صهبای نور، سال اول، اردیبهشت ۱۳۹۶، شماره دوم، ص۶۴-۵۳.
– روح الله زاده اندواری، عالیه و سید علی اکبر ربیع نتاج، «سیره امام حسن عسکری علیه‌السلام در برخورد با فرقه غلات»، کرمان، دانشگاه پیام نور، همایش ملی امام حسن عسکری علیه‌السلام ، ۱۳۹۲ش.
– رحیم خریبط، عطیه، «الإمام الحسن العسکری دراسه فی التأثیر والتأثر» مجلة مرکز دراسات الکوفه، ۲۰۲۲، مجلد ۱، عدد ۶۴، ص۱۰۹-۱۳۴.
– زجاجی، عبدالرحمن، أمالی الزجاجی، تحقیق عبد السلام محمد هارون، بیروت، دارالجیل، ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
– سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، قم، مؤسسه الإمام الصادق، ۱۴۲۵.
– سجادی، حامد و میثم فرخی، «نحوه مواجهه ائمه اهل بیت علیهم‌السلام با اجتهاد و انحراف (مطالعه موردی اهل سنت و غالیان)، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، سال دهم، دوره جدید، شماره ۳۸، اسفند ۱۳۹۳، ص۸-۱۷.
– سند، محمد، الغلو و الفرق الباطنیه، رواةً المعارف بین الغلاة و المقصره، قم، باقیات، ۱۳۸۹ش.
– شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۳۵ش.
– صریفی، محمد نعمه طاهر و حسن کریم ماجد ربیعی، «فکر الامامین العسکریین علیهما‌السلام فی رد ثقافه التطرف الدینی»، مجله الکلیه الاسلامیه الجامعه الکوفه، عدد ۴۹، ۲۰۱۸، ص۲۹۳-۳۰۷.
– صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد، تحقیق محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۴.
– صفوری، عبدالرحمن، نزهه المجالس و منتخب النفائس، تحقیق عبدالوارث محمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹/۱۹۹۸.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

– طالعی، عبدالحسین، «جستاری درباره بصائر الدرجات: پژوهشی نو در کتابی کهن»، دو ماهنامه آئینه پژوهش، دوره ۲۷، آذر و دی ۱۳۹۵، شماره۱۶۱، ص۸۱-۸۶ .
– طبرانی، میمون بن قاسم، مجموع الاعیاد، تصحیح ر. شتروطمان، مجلد ۲۷ من مجله الاسلام، همبورغ، ۱۹۴۳.
– طبری، ابو جعفر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، بیروت، دار التراث، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.
– طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، قم، ستاره، ۱۴۲۰.
– غریری، سامی، الجذور التاریخیه و النفسیه للغلو و الغلاه دراسه تحلیلیه فی الهویه و الجذور لواقع الفرق المغالیه، قم، نگارش، ۱۴۲۴.
– غفوری نژاد، محمد و محمدتقی ذاکری، «مأخذشناسی و بازشناسی محتوای کتاب الاوصیاء شلمغانی معرفی و نقد»، فصلنامه انتظار موعود، پاییز ۱۳۹۴، دوره۱۵، شماره۵۰، ص۹۵-۱۱۸.
– فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات، بی‌جا، موسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
– فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، بی‌تا.
– فلاح زاده، احمد و محمد سپهری، «درآمدی بر رویکرد سیاسی ـ مذهبی معتز عباسی (ح ۲۵۲ـ۲۵۵ق) در برابر امامیه»، تاریخ اسلام، دوره ۲۲، شماره ۳ ، دی۱۴۰۰، ص۱۹۵-۲۱۸. **Doi: 10.22081/HIQ.2022.72173**
– فلاح زاده، احمد، «تعامل امامیه و سایر فرق مسلمان در عصر عسکریین علیهما السلام »، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد سپهری، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی تهران، ۱۳۹۷ش.
– _____، «مهتدی عباسی (حک. ۲۵۵- ۲۵۶) از اصلاحات سیاسی تا مبارزه با امامیه»، سیره پژوهی اهل بیت، دوره ۵، شماره ۸ ، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص۷۵-۹۴. **Doi: 10.22081/CSA.2020.68496**
– کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی)، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
– _____، رجال الکشی، تحقیق محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
– کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق دار الحدیث، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹.
– مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، انصاریان، ۱۳۸۴ش/۱۴۲۶.
– _____، التنبیه والاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی، بی‌تا.
– _____، مروج الذهب، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]

– مطهری، حمید رضا، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
– مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، قم، الموتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
– مودب، سید رضا و علیرضا رستمی هرانی، «غالیان و تاثیر برخی اقدامات آنان بر فرهنگ قرآنی شیعه»، شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۸، تیر ۱۳۹۱، ص۳۹-۷۴.
– موسوی تنیانی، سید اکبر، «جریان شناسی فکری امامیه از افول مدرسه کوفه (اواخر سده دوم هجری) تا ظهور شیخ مفید در بغداد، بصره، خراسان و ماوراء النهر»، رساله دکتری، استاد راهنما: محمدتقی سبحانی، گروه فرق تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده شیعه شناسی، ۱۳۹۵ش.
– ناشی اکبر، مسائل الإمامه، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ش.
– نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.
– نجف پور، عزیز و دیگران، «وضعیت حوزه های علمی معاصر، نهضت ترجمه و زمینه ها و عناصر شکل گیری نهضت»، معرفت در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ش، ص۱۴۳-۱۶۷.
– نظربیگی، مریم و احمد فلاح زاده، «امام حسن عسکری و حل پالش اثبات امامت بر اساس الگوی تبلیغ کانونی»، شیعه شناسی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص۱۰۹-۱۳۴.
Doi: 10.22034/SHISTU.2021.530630.2055
– نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴.
– ولی پور، سوسن، «واکاوی جریان غلو و جعل حدیث در فرقهٔ خطابیه و رفتار ائمه علیهم‌السلام با آنان»، مذاهب اسلامی، سال سوم، شماره ششم، اسفند ۱۳۹۵، ص۹-۲۹.
– هدایت پناه، محمدرضا، «مواجهه حوزه اهواز با فرقه های مذهبی و تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابنا الرضا۷»، سخن تاریخ، س ۱۱، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص۲۲۱-۲۴۸.
– یزدانی، حسین، «شریعت در کشف المحجوب هجویری»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۵، ص۸۳-۱۰۴.
– Adang, Camilla and et al, *Accusations of unbelisf in islam, a diachronic perspective on takfir*, leiden, boston, brill.
– Balî, Awê , "Lêkolînek li ser Alewiyan12 Îmam", 2009. Retrieved feb.15, 2024,
from https://www.amidakurd.net/ku/tekst/l%C3%AAkol%C3%AEnek_li_ser_alewiyan.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.27]